

**Received:** 2025/4/21  
**Accepted:** 2025/11/12  
from 175 to 192

**Hoora Habibi**

Department of Religions and  
Mysticism, Go. C., Islamic Azad  
University, Gorgan, Iran.  
hoorahabibi562@iaui.ac.ir

**Mohammadreza Naderi**

Department of Philosophy, Az.  
C., Islamic Azad University,  
Azadshahr, Iran.  
naderi@iaui.ac.ir

**Mahdi Afchangi**

Department of Theology and  
Islamic Studies, Go. C., Islamic  
Azad University, Gorgan, Iran.  
m.afchangi@gorganiaui.ac.ir

**Arastoo Mirani**

Department of Psychology, Go. C.,  
Islamic Azad University  
arastoo.mirani@iaui.ac.ir

**Keywords:**

Abrahamic Religions,  
Magic, Mysticism,  
Rituals.

## Examining the Nature of the Rule of Magic from the Perspective of Abrahamic Religions (A Comparative Study of Judaism, Christianity, and Islam)

### Abstract

While the concepts of magic and sorcery are familiar in religious discourse, a deeper understanding of their nature, meaning, and the rationale for their prohibition within Abrahamic faiths—particularly Islam, Judaism, and Christianity—remains of great importance. Magic constitutes a significant theological issue, with its gravity emphasized in the Holy Qur'an as well as the Old and New Testaments. Accordingly, this study aims to conduct a comparative examination of the nature of magic from the perspectives of these three Abrahamic traditions. The primary research question addresses the nature of magic as defined by the Qur'an and the Biblical scriptures. The central hypothesis asserts that magic is fundamentally condemned in Islam, Judaism, and Christianity. Employing a descriptive-analytical methodology and documentary library research, the study analyzes the relevant scriptural texts. The findings indicate that the Holy Qur'an delineates two types of magic: one that is illusory and lacks real existence, and another that is real and produces tangible effects. Similarly, Judaism rejects sorcery; however, historical distortions of the Torah led to changes in beliefs concerning magic, which subsequently became intertwined with Kabbalistic mysticism. From the Christian perspective, the Gospels present the high priesthood granted to Jesus (peace be upon him) as the true source of eternal salvation, standing in distinct contrast to the practices of sorcery.

The results of the study reveal that:

1. The practice of magic is strictly prohibited due to its association with malevolence and harm.
2. The prohibition of magic is absolute in both the Qur'an and the Scriptures, extending even to cases involving the neutralization of magical acts.
3. The intentions and purposes behind learning and practicing magic hold significant weight in the analysis of religious texts.
4. In various traditions, magical practices have historically become intertwined with religious rituals.

## بررسی ماهیت حکم سحر از منظر ادیان ابراهیمی (بررسی تطبیقی یهود، مسیحیت و اسلام)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۱  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۲۱  
از صفحه ۱۷۵ تا صفحه ۱۹۲

### حورا حبیبی

گروه ادیان و عرفان، واحد گرگان،  
دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.  
hoorahabibi562@iau.ac.ir

### محمد مهدی نادری

گروه فلسفه، واحد آزاد شهر، دانشگاه  
آزاد اسلامی، آزاد شهر، ایران. (نویسنده  
مسئول).  
naderi@iaua.ac.ir

### مهدی افچنگی

گروه الهیات و معارف، واحد گرگان،  
دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.  
m.afchangi@gorganiau.ac.ir

### ارسطو میرانی

گروه روانشناسی، واحد گرگان،  
دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.  
arastoo.mirani@iau.ac.ir

### چکیده

اصطلاح سحر و جادو اگر چه در متون دینی مفهومی آشنا به نظر می‌رسد ولی درک معنی، ماهیت و تبیین دلایل حرمت آن در ادیان مختلف، به ویژه ادیان ابراهیمی از ضرورت بالایی برخوردار است. به بیانی دیگر، سحر و جادو به مثابه یکی از مهمترین آموزه‌های دینی و از موضوعات بنیادین در باورهای ادیان الهی به‌شمار می‌آید به نحوی که قرآن کریم و کتب عهدین بر اهمیت این مسئله تأکید فراوان داشته‌اند. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی تطبیقی ماهیت سحر و جادو از منظر اسلام، یهود و مسیحیت است. سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از، ماهیت سحر و جادو از منظر قرآن و عهدین چیست؟ فرضیه پژوهش تأکیدی است بر این موضوع که سحر از منظر اسلام، یهود و مسیحیت نفی شده است. یافته‌های پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای نشان داد طبق آیات قرآن کریم دو گونه سحر وجود دارد. سحرهایی که تخیلی هستند و واقعیت ندارند و سحرهایی که واقعی و دارای اثر هستند. دین یهود هم مانند اسلام سحر و جادو را نفی کرده است، اما پس از تحریف تورات اعتقادات به سحر و جادو دستخوش تغییراتی گردید و با عرفان کابالا آمیخته شد. از منظر انجیل نیز کهنات اعظم به عیسی<sup>(ع)</sup> اعطا شده، تا بتواند منشاء نجاتی ابدی باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که، ۱- اعمال ساحران به دلیل هم‌زمانی با شرارت و زیان‌رسانی، معیار صدور حکم حرمت قرار گرفته است. ۲- موضوع حرمت مطلق سحر، به‌ویژه در شرایط خنثی کردن اعمال ساحران، مورد تأیید قرآن و کتب عهدین است. ۳- اهداف و نیات ساحران در یادگیری و استفاده از سحر، از منظر متون دینی، اهمیت ویژه‌ای دارد. ۴- اعمال جادویی در بسیاری از ادیان با مناسک دینی درهم‌آمیخته است.

### واژگان کلیدی:

ادیان ابراهیمی، سحر، عرفان،  
مناسک.

مفهوم سحر در اصطلاح، به امری شگرف اطلاق می‌شود که به امر خارق العاده شباهت دارد، اما خود امر خارق العاده نیست. ریشهٔ سحر از زبان عربی به معنای تغییردادن ماهیت و صورت واقعی شیء به امری غیرحقیقی یا خیالی، مترادف آن در زبان فارسی جادو است (مصاحب، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۳۷۹). بنابراین، تحریف واقعیت، تبدیل حق به باطل و خدعه و نیرنگ از مهمترین مفاهیم نهفته از واژه سحر است (ابن زکریا، ۱۳۹۸، ۱۴۵). موضوع مهمی که باید به آن توجه نمود، هدف از اعمال مبتنی بر سحر و جادو از سوی عاملان است. ذکر این نکته نیز ضروری است که سحر و جادو قدمتی طولانی داشته و ساحران بعضاً از جایگاه‌های اجتماعی و حتی سیاسی بالایی در میان حکومت‌ها برخوردار بودند. به عنوان مثال، ساحران حاضر در دستگاه سلطنتی فرعونیان مصر، صاحب یکی از قدرتمندترین جایگاه‌های سیاسی، اقتصادی و حکومتی بودند (همتی، ۱۴۰۲، ص ۶). زیرا با استفاده از نیروهای ماورایی هدف اصلی خود را تحقق برخی اهداف و تسلط بر امور می‌نمودند (صمدی، ۱۴۰۱، ۱۸).

گذشته از کارکرد اصلی سحر و جادو و فعالیت ساحران، موضوعی که از اهمیت بالایی برخوردار است، تأثیرات عقیدتی این مفهوم برافکار، عقاید و اعمال افراد جامعه بوده است، زیرا انجام اقدامات محیرالعقول و فرابشری از سوی ساحران، اعتقادات مذهبی و اندیشه‌های دینی معتقدان این حوزه را تحت الشعاع خود قرار داده به نحوی که گرایش به یکتاپرستی که اصلی‌ترین رسالت ادیان و به تبع آن انبیاء الهی بوده است را تضعیف نمود (عقلان، ۱۴۰۳، ص ۴۶)، به همین سبب، شناخت ماهیت سحر و بررسی حکم آن در ادیان الهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از یک سو، در متون مقدس ادیان توحیدی، حکمی واحد در راستای تحریم و نفی سحر و جادو مشاهده می‌شود؛ اما واقعیت این است که تأویلات گوناگون و حتی متعددی در این رابطه وجود دارد و از سویی دیگر، بسیاری از اقدامات مبتنی بر سحر و جادو عامدانه و با هدف برآوردن نیازهای دنیوی بشر بوده است، کما اینکه قرآن کریم در آیات ۱۰۲ و ۱۰۳ سوره بقره به این موضوع صراحتاً اشاره داشته و اقدامات مبتنی بر سحر و جادو از سوی یهودیان را عامدانه، آگانه و با هدف تحقق خواسته‌های نفسانی بشر (نه خواست و ارادهٔ خداوند) دانسته که پیامد این موضوع نیز گمراهی از دستورات خداوند و زوال ایمان آنان بود (صدری، ۱۴۰۲، ص ۹۴).

سرکشی، گمراهی، تباهی و زوال ایمان از اصلی‌ترین دلایل تحریم جادو و سحر از منظر قرآن کریم محسوب می‌شود. این موضوع در تورات نیز صراحتاً مورد تأکید قرار گرفته و ضمن قبیح دانستن مراجعت به ساحران اذعان داشته است، «به صاحبان اجنه توجه مکنید و جادوگران را متفحص نشوید تا مبادا از آنها ناپاک شوید و خداوند شما منم» (عهد عتیق، کتاب سوم، ۱۴۰۳، ص ۱۸۴). در آیین مسیحیت نیز سحر و جاد امری قبیح و مردود محسوب شده و در رسالهٔ پولس، سحر و جادو امری است مرتبط با بدن (غیرمعنوی) و مبتنی بر خدعه و گمراهی (الیاده، ۱۴۰۲، ص ۳۷۴). این موضوع در قرون وسطی تشدید گردید به نحوی که اعتقاد به جادوگری نیز جرمی بزرگ محسوب شده و معتقدان بدان به سختی مجازات می‌شدند (اسکار و کالو، ۱۴۰۲، ص ۲۴). بنابراین

بایستی اذعان داشت سحر و جادو از منظر ادیان الهی، امری نکوهیده، مردود و منتفی است، زیرا دارای عواقب و پیامدهای متعددی در ابعاد فردی، اجتماعی و معنوی است که عبارتند از، فساد در جامعه، تفرقه میان افراد، ایجاد ترس و وحشت در مردم، کفر و بی‌ایمانی و محرومیت از رستگاری. هرچند قرآن کریم صراحتاً و مطلقاً در نفی و تحریم سحر آیات و روایات متقن و بدون تغییر در گذر زمان داشته است، اما مسأله اصلی پژوهش حاضر بررسی تطبیقی این موضوع از منظر قرآن کریم و کتب عهد عتیق (یهود و مسیحیت) است؛ زیرا پس از تحریفات که در کتب عهد عتیق صورت پذیرفت، حرمت و تحریم سحر و جادو نیز دچار تطوراتی بعضاً عمیق گردید، به نحوی که به ویژه در انجیل علم سحر و کهانیت به حضرت عیسی مسیح<sup>(ع)</sup> نسبت داده شده است (مانند آنچه در رساله به عبرانیان (۶/۳) ذکر شده است). بنابراین چنین موضوعی سبب گردید تا قطعیت حکم سحر و فراگیری آن از منظر عهد جدید، محل نقد و مناقشه قرار گیرد.

با این مقدمات، مساعی نویسندگان در پژوهش حاضر، بررسی تطبیقی ماهیت حکم سحر از منظر اسلام، یهود و مسیحیت بوده و سؤال اصلی نیز عبارت است از: ماهیت سحر و جادو از منظر قرآن و عهدین چگونه است؟ در ادامه نیز برخی از سوالات فرعی پژوهش حاضر مورد بررسی و مذاقه قرار خواهند گرفت که عبارتند از: آیا سحر از منظر قرآن و عهدین، به‌طور قطع و همیشگی باطل و حرام است؟ اگر چنین است، چه دلایلی برای حرمت سحر ارائه شده است؟ آیا فراگیری سحر در شرایط خاصی مجاز دانسته شده است؟ پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع دست اول کتابخانه‌ای سعی در بررسی حقیقت و ماهیت سحر و مصادیق مختلف آن داشته و ضمن تبیین دیدگاه‌های قرآن و کتب عهد عتیق درباره حکم سحر، به تحلیل علمی، معلولی و عقلانی این حکم از منظر ادیان توحیدی خواهد پرداخت.

## ۲- ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

### ۲-۱- سحر و جادوگری

واژه فارسی «جادو» به دو معنی مختلف به کار می‌رود، نخست به معنای «ساحر» یا «جادوگر» و دیگری به معنای «سحر و جادوگری». این واژه از فارسی میانه «Jadug» برگرفته شده است که در اصل به معنای جادوگر یا ساحر بوده است (کاهدی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۲۷). جادو یا سحر به مجموعه‌ای از باورها، روش‌ها و تکنیک‌هایی اطلاق می‌شود که هدف آن‌ها تسلط بر نیروهای طبیعی یا فراطبیعی است. این نیروها برای تغییر شرایط، وضعیت‌ها یا محیط زیست به کار گرفته می‌شوند تا فرد یا گروهی به اهداف خاص خود، چه مثبت و چه منفی، دست یابد (قربان‌زاده و سعیدی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۹). جادوگر می‌تواند برای دستیابی به این اهداف، از قدرت‌های درونی خود مانند نیروی روحی، اراده و تمرکز بهره‌گیرد یا از ابزارهای ویژه‌ای همچون وسیله‌ها، اوراد و کاغذها، افسون و تعویذ استفاده کند. با این ابزار او می‌تواند بر نیروهای پنهان یا مافوق طبیعت تسلط بیابد و مطابق با خواسته‌ها و نیازهای خود آن‌ها را هدایت کند (سیدموسوی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۵۸). در بسیاری از فرهنگ‌ها، جادو به‌عنوان نیرویی مرموز و پیچیده در نظر گرفته می‌شود که

تأثیرات گسترده‌ای بر طبیعت، ذهن انسان‌ها و سرنوشت آن‌ها دارد. برخی افراد، جادو را نیرویی مثبت می‌دانند که می‌تواند به درمان بیماری‌ها یا دستیابی به اهداف خیر کمک کند، درحالی‌که دیگران آن را ابزاری خطرناک و زیان‌آور می‌پندارند که برای تحقق نیات منفی یا آسیب‌رساندن به دیگران به‌کار می‌رود (خوشدل، ۱۳۹۸، ص ۸۳). درهرصورت، جادو همواره به‌عنوان نیرویی ویژه در ذهن انسان‌ها جایگاهی خاص داشته و نمایانگر میل بشر به تسلط بر ناپیداها و تغییر مسیر طبیعی جهان بوده است. این باورها نه‌تنها در گذشته بلکه در برخی جوامع امروزی نیز جایگاه ویژه‌ای دارند و به منزله یکی از ابعاد فرهنگی و مذهبی در جوامع مختلف شناخته می‌شوند. بسیاری از واژه‌هایی که در زبان‌های اروپایی برای اشاره به جادو یا جادوگری استفاده می‌شوند، از واژه یونانی *Mageia* (فن جادوگری) مشتق شده‌اند. این واژه خود از کلمه *Magoi* به معنای مغان گرفته شده است که متعلق به فرهنگ یونانی است و قبیله‌ای از مادها نامیده می‌شود که جادوگر شناخته می‌شدند (صدری، ۱۴۰۲، ص ۱۰۴). آن‌ها به‌خاطر برپایی آیین‌های بسیاری که از دید یونانیان عجیب و غیرمعمول به نظر می‌رسید، به‌عنوان جادوگر شناخته می‌شدند. آنان به قدرت‌های شگفت‌انگیز باور داشتند و معتقد بودند که می‌شود با استفاده از رمز و راز ستارگان رویدادهای مهمی چون تولد مسیح<sup>(ع)</sup> را پیشگویی کرد. مغان به علوم خفیه<sup>۱</sup> آشنا بودند» (خوشدل، ۱۳۹۸، ص ۹۴). به‌طورکلی، سحر تغییر چیزی از شکل حقیقت وجودی خود به صورتی دیگر است و به عملی اطلاق می‌شود که سحر انجام می‌دهد. در این فرایند، باطل به شکل حق نمایش داده می‌شود و پدیده‌ای خلاف حقیقت به نظر می‌رسد و مردم را به اشتباه می‌اندازد (اردشیری، ۱۴۰۰، ص ۴۴). به عبارت دیگر، سحر نوعی فریب ذهنی است که بیننده را وادار می‌کند باور کند آنچه مشاهده می‌کند دقیقاً همان چیزی است که در واقعیت رخ داده، درحالی‌که در حقیقت، موضوع چیز دیگری است. این عمل که نوعی فعالیت پنهانی و خفی محسوب می‌شود، شیء را به‌گونه‌ای غیر از ماهیت و جنس واقعی آن نمایان می‌سازد. با این حال، این تغییر صرفاً در ظاهر اتفاق می‌افتد و حقیقت شیء دستخوش تغییر نمی‌شود (طبرسی، ۱۳۹۸، ص ۲۹۵). برخی معتقدند که واژه «سحر» به مفهوم عدم مشاهده حقیقت اشاره دارد و برای دستیابی به رشد و رستگاری، شناخت

۱- علوم خفیه شامل رشته‌های مختلفی از سحر است که به‌طور خاص به تأثیرگذاری بر نیروهای ماورائی و طبیعی پرداخته می‌شود. این علوم به شرح زیر هستند:

سیمیا: در این نوع سحر، اراده انسان با قوای مادی خاصی ترکیب می‌شود، که گاهی به آن «چشم‌بندی» نیز اطلاق می‌شود. در این روش، سحر توانایی دارد تا ادراک افراد را دگرگون کند و آن‌ها را به اشتباه بیندازد.

لیمیا: در این روش، سحر اراده خود را با ارواح قوی و عالی هماهنگ کرده و آن‌ها را تسخیر می‌کند. این نوع سحر معمولاً در ارتباط با تسخیر ارواح و جن‌ها است.

هیمیا: این نوع سحر با ترکیب و هماهنگی میان قوای آسمانی (عالم بالا) و برخی از عناصر زمینی (عالم پایین) انجام می‌شود. سحر از این ترکیب برای ایجاد تأثیرات خاص استفاده کرده و به علم طلسمات مرتبط است.

ریمیا: در این شیوه، جادوگر از نیروهای ناپیایدادی مادی بهره می‌برد تا اثراتی شگرف و غیرمعمول خلق کند. این نوع جادو عمدتاً به صورت تردستی و فریب‌های بصری جلوه‌گر می‌شود

کیمیا: در این نوع سحر، سحر با ترکیب مواد مختلف و ایجاد تغییر در دما (گرما و سرما) ویژگی‌های خاصی را در مواد به‌وجود می‌آورد. این علم به کیمیاگری معروف است و بر اساس تغییرات شیمیایی مواد صورت می‌گیرد (طباطبایی، ج ۱، ص ۲۶۵).

این مفهوم و تلاش برای جلوگیری از آن ضروری است. بنابراین، آگاه‌سازی جامعه از خطرات سحر می‌تواند به مقابله با این مانع رشد کمک کند. سحر در معانی مختلف به‌عنوان کلمه، نوشته، ورد یا سوگندی تعریف شده است که به واسطه آن، آسیب یا زبانی به دیگران وارد می‌شود، مانند ایجاد اختلال در روابط میان زوجین. یکی دیگر از انواع سحر، استفاده از نیروهای فراطبیعی همچون ملائکه، جن و شیاطین است (مجلسی، ۱۳۹۳، ص ۸۰). از این نوع سحر برای دستیابی به آگاهی از امور پنهان، درمان مشکلات یا احضار روح در بدن استفاده می‌شود (طوسی، ۱۴۲۴، ص ۱۹۱). مصطفوی معتقد است سحر در حقیقت، عوض کردن و نمایش حقیقت به صورتی غیرواقعی است که می‌تواند بر ادراکات حسی، ذهن و قلب افراد تأثیر بگذارد. این اعمال، در مقایسه با معجزات و کراماتی که خداوند به بندگان صالح خود عطا می‌کند، از اعتبار و ارزش کمتری برخوردار می‌باشد (مصطفوی، ۱۴۰۲، ص ۶۸).

## ۲-۲- ویژگی‌ها و کارکردهای سحر

سحر دارای ویژگی‌های فراوانی است از جمله: بهره‌گیری از فکیات (در آمیختن قوای آسمانی با قوای زمینی)؛ استعانت از ارواح بیط (فرشتگان، اجنه و شیاطین؛ استفاده از کواکب (دعوت کواکب)؛ استفاده و بهره‌گیری از طلسمات و علائم؛ کھانت، خبردان از آینده (حلی، ۱۳۸۴، ص ۴۰۵)؛ قیافه شناسی (ملحق کردن بعضی از مردم به بعضی دیگر)؛ تنجیم و آن عبارت است از خبر دادن یقینی و جزئی از حوادث جهان هستی (ابوصلاح حلبی، ۱۳۹۱، ص ۴۱۶).

چنین ویژگی‌های مهمی، برخی کارکردهای خاص نیز به سحر و جادو بخشیده است که عبارتند از،

زوال عقل که دیه آن کامل است (موسوی الخمینی، ۱۳۹۹، ۶۲۷)؛ قتل نفس؛ تصرف در تخیل و ذهن افراد (ایجاد توهم و ...) (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۳۵۱).

نهایتاً آنکه برخی مفاهیم و اصطلاحات مرتبط با مفهوم سحر وجود دارند که به نظر تبیین و بحث پیرامون آنان گریزناپذیر است. این دو مفهوم عبارتند از رقیه و کھانت که ذیلاً بدان‌ها خواهیم پرداخت.

«رُقیه»، که جمع آن «رُقی» است، نوعی افسون و به‌تسامح تعویذ یا حرز نامیده می‌شود. این عمل شامل خواندن برخی اوراد و دمیدن بر آن‌ها برای شفا گرفتن یا دفع آسیب است. این اوراد معمولاً برگرفته از آیات قرآن کریم یا دعاهای منتسب به پیامبر اکرم (ص) هستند (طاهرزاده، ۱۴۰۱، ص ۲۷). در مقابل، سحر و جادو به‌عنوان بخشی از علوم غریبه تعریف می‌شود، که ساحر با استفاده از روش‌ها و شیوه‌های خاصی آن را اجرا می‌کند، به‌طوری‌که دیگران قادر به ابطال یا خنثی کردن آن نیستند. اگرچه اعمال ساحران شگفت‌انگیز و اعجاب‌آور به نظر می‌رسند و گاه توجه و اقبال عمومی را به خود جلب می‌کنند، برخی افراد این اعمال را جزو امور خارق‌العاده و شیهه معجزات انبیاء تصور کرده‌اند. بااین‌حال، معجزه با سحر تفاوتی اساسی و ماهوی دارد (اشرف و صفایی، ۱۳۹۸، ص ۵۸). کھانت نیز به معنای اطاعت درآوردن و تسخیر جن است و در برخی موارد

شبهات‌هایی با سحر دارد. کاهن کسی است که اخباری را از اجنه دریافت می‌کند و فردی صاحب رأی و نظر شناخته می‌شود. به عبارتی، کهنات به معنای عام آن، برقراری ارتباط با جن است تا از طریق آن بتوان اطلاعاتی دربارهٔ گذشته، حال یا آینده به دست آورد یا کارهای عجیب انجام داد. به طور کلی کهنات به معنای فال‌گویی، اخترشناسی و اخبار غیب است (کیمیایی، ۱۳۹۹، ص ۱۴۳). در عمل کهنات، میان روح کاهن و ارواح مجردی چون جن و شیاطین ارتباط برقرار می‌شود و کاهن از این طریق به اخباری دربارهٔ حوادث جزئی آینده یا امور پنهان دست می‌یابد. زبان سحر زبانی خاص است که تنها برخی از حروف آن با حروف فارسی و عربی مشترک است، اما شیوهٔ نگارش آن بسیار متفاوت است. از منظر اسلام و قرآن، ساحر و کاهن همچون مشرکان مذموم بوده و انجام سحر و جادو گناه محسوب می‌شود. اشتغال به سحر و کهنات نه تنها جزو مکاسب حرام است، بلکه از مصادیق گناه کبیره نیز به‌شمار می‌آید (مصطفوی، ۱۴۰۲، ص ۷۸).

### ۳-۲- پیشینه پژوهش

در خصوص پیشینه تحقیق ابتدا بایستی به این موضوع مهم اشاره داشت که طیف وسیعی از کتب، مقاله و رسالهٔ دانشگاهی با موضوعیت سحر و جادو تألیف و تدوین شده‌اند اما پژوهش مستقل و جامعی که موضوع سحر و جادو را اولاً از منظر ماهیت آن و ثانیاً با نگاهی تطبیقی و از منظر اسلام، یهود و مسیحیت مورد بررسی قرار داده باشد یافت نشد. از طرفی، بررسی دلایل نفی سحر و جادو در ادیان ابراهیمی نیز موضوع حائز اهمیتی است که باید با دقت و جامعیت لازم بدان نگریست. با این حال برخی از مهمترین پژوهش‌هایی که به نحوی با عنوان و هدف پژوهش همراستاست به اجمال در ذیل بررسی خواهند شد،

- سلیمانی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «مقیم آموزه‌های تربیتی قرآن در باب سحر و جادو» به این نتیجه دست یافتند که هر کدام از آموزه‌های تربیتی قرآن برابر سحر در مواجهه با دیپ فیک نیز کاربرد دارد و تنها کافی است آن آموزه براساس ادبیات جدید بازنویسی می‌شود. ۱- یادگیری راه ابطال سحر؛ (یادگیری نرم‌افزارهای و مکانیسم دیپ فیک؛ طراحی نرم‌افزارهایی برای خنثی‌سازی و رسوایی آن) ۲- توجه بر بعد شیطانی سحر (عدم توجه به ظاهر جذاب محصولات دیپ فیک؛ تمرکز بر پشت‌پرده و اهداف پنهانی آن) ۳- توجه بر اهمیت واقعیت (دور شدن از دنیای تصاویر مجازی و آشنا شدن با واقعیت انسان‌ها) ۴- توجه بر اذن الهی (دقت در نقش خواست خداوند و تلاش فردی در تغییر واقعی انسان‌ها).

- قربان‌زاده و سعیدی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «سحر در قرآن و روایات» به این نتیجه دست یافتند که با توجه به این که در بعضی از آیات قرآن کریم سحر را از امور تخیلی و غیرواقعی شمردند و ظاهر بعضی از آیات قرآن کریم اشاره به حقیقی بودن دارند همین مساله باعث شده تا بین مفسرین اختلافی بوجود بیاید؛ بعضی از آنها سحر را از امور واقعی می‌دانند و بعضی آن را غیرواقعی و تخیلی. می‌توان به این نتیجه رسید که برخی از شعبه‌های سحر از امور واقعی است و تأثیر آنها مانند دارو بر مریض است، ولی اسلام رفتن به سوی این امور و استفاده از آن را به

شدت نهی می‌کند. البته یادگیری سحر به‌طور کلی حرام نیست و در برخی موارد مثلاً برای رد آن جایز است و افراد خاص خود را می‌طلبند؛ زیرا در غیر این صورت آثار مخرب فردی و اجتماعی یا حتی خانوادگی به بار می‌آورد.

- شیرین‌راد (۱۳۹۵) در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی مفهوم سحر و جادو در قرآن و عهد عتیق» به این نتیجه دست یافت که دین یهود هم مانند اسلام سحر و جادو را نهی کرده و آن را به عنوان ابزاری فریب‌کارانه برای رسیدن به هدف‌های شیطانی می‌داند که دارای آثار مخرب فردی و اجتماعی بسیار است.

- بدرلو (۱۳۹۲) در کتابی با عنوان «سحر و جادوگری در اسلام، تاملی در سحر و جادوگری در اسلام» با استفاده از روش کلامی و فقهی به موضوع سحر و جادوگری در اسلام پرداخته است. در فصل اول به تبیین و تعریف سحر پرداخته تا در کنار آن ماهیت سحر به روشنی بیان شود و سپس سحر از دیدگاه علمی و فلسفی به بحث گذاشته شده است. در فصل دوم به اقسام سحر اشاره شده و فرق بین سحر با معجزه و کرامت بیان شده است. فصل سوم به آیات و روایات در باب سحر و جادوگری اختصاص داده شده است. سحر و مشتقات آن در قرآن و همچنین آیات و سوره‌هایی که به این موضوع پرداخته‌اند به‌صورت کاملاً منظم بیان گردیده است. در فصل آخر هم نمونه‌هایی از ادعیه بطلان سحر آورده شده است.

### ۳- بحث و بررسی

#### ۳-۱- حکم سحر از منظر قرآن و حدیث

در میان ادیان الهی، اسلام بیشترین تمرکز را بر موضوع جادو و سحر داشته است. به‌ویژه، قرآن کریم به گسترش جادوگری توسط شیاطین در زمان حضرت سلیمان<sup>(ع)</sup> اشاره کرده و این عمل را محکوم کرده است. بر اساس آیه ۱۰۲ سوره بقره، شیاطین برای ایجاد اختلاف و فتنه در میان مردم، علم جادو را به آن‌ها می‌آموختند تا از این طریق موجب تفرقه و فساد شوند (خوشدل، ۱۳۹۸، ص ۱۷). این آیات نشان می‌دهند که جادوگری نه‌تنها ابزاری در دست شیطان برای فریب انسان‌هاست، بلکه عاملی برای بحران‌آفرینی در جوامع اجتماعی و دینی است. در قرآن کریم آمده است: «خداوند دو فرشته به نام‌های هاروت و ماروت را مأمور ساخت تا به انسان‌ها روش مقابله با سحر و جادو را آموزش دهند» (عقلان، ۱۴۰۳، ص ۴۱). در دین اسلام، مسلمانان به‌طور جدی از یادگیری جادو و مراجعه به افرادی که به انجام آن مشغول هستند نهی شده‌اند و این عمل به‌عنوان گناهی بزرگ تلقی می‌شود (کافی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۳). بسیاری از مفسران شیعه و سنی سحر را به‌عنوان پدیده‌ای واقعی و قابل‌تأثیر در دنیای مادی و معنوی شناخته‌اند. اسلام بر این باور است که سحر می‌تواند تأثیرات منفی گسترده‌ای بر انسان‌ها، روابط اجتماعی و حتی طبیعت داشته باشد (نراقی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۳). از این‌رو، هرگونه ارتباط با جادوگری و اعمال سحر به‌شدت مذموم و ناپسند شمرده شده است. بنابراین، انکار سحر یا تلقی آن به‌عنوان خرافه از دیدگاه اسلام منطقی و عقلانی نیست، چرا که قرآن و احادیث متعدد وقوع آن را تأیید کرده‌اند (شهید اول،

۱۳۹۵، ص ۴۱۸). مسلمانان نیز به سحر به‌عنوان یک واقعیت تأثیرگذار در حوزه‌های مختلف زندگی انسانی توجه دارند. قرآن کریم نیز در این زمینه می‌فرماید، «وَلَا يَفْلِحُ السَّاحِرُونَ» (یونس: ۷۶)، زیرا ساحران در تلاش‌اند تا حقیقت را تحریف کرده و عقاید افراد ساده‌لوح را متزلزل سازند (کریشان، ۱۳۴۴، ص ۱۲۵). «این حکم در موارد استثنایی تغییر می‌کند، مانند زمانی که یادگیری سحر برای باطل کردن آن یا از بین بردن اثرات جادویی که به دیگران آسیب رسانده است، ضروری باشد» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۳، ص ۱۵۶). در اسلام، انجام، آموزش و کسب درآمد از طریق سحر حرام بوده و از گناهان کبیره محسوب می‌شود. در برخی روایات، تعلیم و تعلم سحر به کفر تعبیر شده است (موسوی الخمینی، ۱۳۹۹، ص ۴۹۸). مواردی که جواز سحر در آن‌ها در نظر گرفته شده است، عبارتند از، باطل کردن سحر افرادی که از آن آسیب دیده‌اند، بی‌اثر کردن ادعاهای دروغین مدعیان نبوت و یادگیری سحر به منظور خنثی کردن سحر ساحران (طبرسی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۵).  
به طور کلی در تبیین دلایل نفی و حرمت تشریحی سحر و جادو در اسلام بایستی به سه علت کلان توجه نمود،

### ۱-۱-۳- فراگیری سحر ابزاری برای تعمیق اختلاف

یکی از اصلی‌ترین دلایل حرمت تشریحی سحر و جادو در اسلام بحث تعمیق اختلافات و به نوعی فتنه‌انگیزی است. کما اینکه قرآن کریم مفهوم فتنه را بزرگتر از قتل نفس قلمداد نموده است (بقره: ۱۹۱). از طرفی، یکی از مصادیق مهم فتنه‌انگیزی و متعاقب آن ایجاد و تعمیق اختلافات آموختن سحر و جادو است. قرآن کریم، صراحتاً از مفهوم سحر و جادو به مثابه یکی از ابزارهای مهم ایجاد تفرقه و اختلاف میان همسران یاد نموده است: «وَ مَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ»؛ آن دو، راه سحر کردن را برای آشنایی با طرز ابطال آن به مردم یاد می‌دادند و به هیچ کس چیزی یاد نمی‌دادند مگر اینکه از پیش به او می‌گفتند: ما وسیله آزمایشیم کافر نشو (و از این تعلیمات، سوء استفاده نکن!) ولی آنها از آن دو فرشته، مطالبی را می‌آموختند که بتوانند به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند». از آیه شریفه فوق به خوبی این موضوع مشخص می‌شود که اولاً فراگیری سحر و جادو نه تنها خیر و نفعی برای افراد به همراه نداشت، بلکه عاملی مهم برای تضرر و خسارت به آنان بوده و در ادامه نیز ابزاری اثرگذار در ایجاد تفرقه و جدایی میان زن و شوهر محسوب می‌شود (محقق کرکی، ۱۳۶۷، ص ۵۷).

### ۲-۱-۳- فراگیری سحر ابزاری برای کفرورزی

از دیگر دلایل مهم دین اسلام در تحریم و نفی هرگونه فراگیری سحر و جادو، دوری، فراموشی ذکر و یاد خدا و نهایتاً کفر به خداوند است: «وَ مَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَ لَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السُّحْرَ»؛ سلیمان هرگز دست به سحر نیالود و کافر نشد؛ ولی شیاطین کفر ورزیدند؛ و به مردم سحر آموختند». آیه شریفه فوق به صراحت اعلام می‌دارد، فراگیری سحر و جادو، ابزاری برای

کفر ورزیدن به خداوند و به تبع آن فراموشی ذکر و یاد خداوند است.

### ۳-۱-۳- فراگیری سحر ابزاری برای سستی

فراگیری سحر و جادو گذشته از فراموشی ذکر و یاد خداوند، انسان را از فعالیت و تکاپوی سازنده نیز برحذر داشته و به نوعی پویایی وی را سلب خواهد نمود. بنابراین، یکی دیگر از دلایل مهمی که قرآن کریم، سحر و جادو را نفی و تحریم کرده است، در گام نخست ایجاد سستی و کاهلی در افراد و در گام دوم، تسخیر روح و روان آنان است: «وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ»؛ و از شرّ آن‌ها که با افسون در گره‌ها می‌دمند (و هر تصمیمی را سست می‌کنند) (فلق: ۴). بنابراین حرمت سحر به‌عنوان یک امر ضروری در دین اسلام به‌وضوح مشخص و غیرقابل انکار است. با بررسی آیات قرآن کریم مشخص می‌شود که سحر ابزاری توانمند در راستای جعل و تحریف حقایق و گمراه ساختن انسان‌ها از مسیر درست بوده که این مهم را با استفاده از زوال عقلی و ایمانی انسان‌ها محقق می‌نمود.

### ۳-۲- حکم سحر از منظر عهدین

#### ۳-۲-۱- عهد عتیق (تورات)

«عهد عتیق» نامی است که مسیحیان برای کتاب مقدس یهودیان برگزیده‌اند، در مقابل «عهد جدید» که کتاب مقدس مسیحیان است. مسیحیان به هر دو عهد باور دارند. این مجموعه به زبان‌های عبری و کلدانی که از زبان‌های سامی محسوب می‌شوند و با زبان عربی خویشاوندی دارند، نگاشته شده است (لارو، ۱۳۹۸، ص ۲). تورات، که در آغاز عهد عتیق قرار دارد، به‌عنوان مقدمه‌ای برای کتاب این مجموعه معرفی می‌شود. این کتاب به‌طور کلی به سه بخش اصلی تقسیم می‌شوند: نخست: تورات و بخش‌های تاریخی عهد عتیق؛ دوم: حکمت، مناجات و شعر؛ سوم: پیشگویی‌های انبیا» (دی کوگان، ۱۳۹۷، ص ۷).

کارکرد سحر و جادو در آیین یهود، بیشتر تلاش برای نیل به اهداف مورد نظر بوده است. در این راستا، آیین یهود اولاً با موضوع سحر و جادو تا حد بسیار زیادی آشنایی کامل داشته و در برخی مواقع از آن در راستای نیل به اهداف مادی و خصوصاً در جنگ‌ها علیه دشمنان جهت تسلط و پیروزی بر آنان استفاده می‌کردند. از طرفی، ترویج سحر و جادو در میان قوم یهود تا حدی بود که نه تنها مردان، بلکه در میان زنان نیز رواج بسیار داشته است و اقدامات زنان جادوگر یهودی به دو موضوع مهم مسائل خانوادگی و فساد اخلاقی مرتبط می‌شد. چنین وضعیتی، جامعه یهود آن دوران را تحت الشعاع قرار داد به نحوی که شمعون بن شطح، یکی از شخصیت‌های برجسته قرن اول پیش از میلاد، در یک روز ۸۰ زن جادوگر را اعدام کرد (کاسر، ۱۴۰۲، ص ۸۴). بنابراین، مبارزه با سحر جادو در تاریخ ادیان الهی، به‌ویژه در ادبانی غیر از اسلام، سابقه‌ای طولانی دارد. منابع تاریخی نشان می‌دهند که در بسیاری از موارد، دادگاه‌های تفتیش عقاید برای محاکمه جادوگران تشکیل می‌شد و احکام اعدام یا سوزاندن آن‌ها صادر می‌گردید (اپستاین، ۱۳۹۹، ص ۹۷). در

تلمود، جادوگر به‌عنوان مجرمی که از دستورات تورات سرپیچی کرده است، شناخته می‌شود، اما شعبده‌بازها در شمار مجرمان به حساب نمی‌آیند. تلمود همچنین هر نوع سحر، جادو و فال‌گیری را به‌شدت محکوم کرده و آن را عملی ویژه بت‌پرستان می‌داند. با وجود تلاش‌های برخی از علمای یهود برای از بین بردن جادو و سحر، این خرافات همچنان در میان مردم عادی یهود باقی ماند. در فصل هجدهم از سفر تثبیه، نمونه‌هایی از انواع جادو و سحر که در میان بت‌پرستان آن دوران رایج بوده، آورده شده است و تورات، بنی‌اسرائیل را از انجام چنین اعمالی برحذر می‌دارد (شولم، ۱۴۰۰، ص ۱۷۷). در تورات آمده است: «و هر کس که به صاحبان اجنه و جادوگران توجه کند تا از طریق آن‌ها پیروی کند، من روی خود را به خشم به سوی او برمی‌گردانم و او را از میان قومش قطع خواهم کرد» (تورات، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۶۵۲).

نویسنده قاموس کتاب مقدس اذعان می‌کند که با وجود دستور صریح تورات برای منع سحر و جادوگری، قوم یهود این اعمال را آموخته و برخلاف تعالیم مقدس به آن باور پیدا کردند. او همچنین می‌نویسد: «این فساد در میان قوم یهود رخنه کرد. آن‌ها به این اعمال اعتقاد یافتند و در مواقع نیاز به آن‌ها متوسل شدند» (هاکس<sup>۱</sup>، ۱۴۰۰، صص ۱۵۶-۱۵۵). عرفان یهودی یا کابالا در واقع به‌عنوان کلیدی برای گشودن رموز و اسراری شناخته می‌شود که در لایه‌های پنهان تورات نهفته‌اند. در دیدگاه کابالا، کلمات کتاب مقدس تنها پوششی برای حقیقت‌ها و آموزه‌های عمیق‌تر و نهان‌تر هستند، عارف یهودی یا پیروان کابالا بر این باورند که با دقت و تفکر عمیق در آیات تورات می‌توان به اسرار نهفته آن دست یافت. از این رو، حروف و کلمات کتاب مقدس برای آن‌ها دارای معانی رمزی و عددی می‌شوند. آن‌ها ادعا می‌کنند که تنها خودشان به این رازها و معانی پنهان آگاهی دارند و دیگران از فهم آن ناتوان‌اند و از فاش کردن این رموز به دیگران، به‌ویژه کسانی که از دیدگاه آن‌ها فاقد صلاحیت هستند، خودداری می‌کنند. این باورها باعث شد پیروان کابالا به سمت ساختن طلسم‌ها و جادوهایی سوق یابند که برای حل مسائل ماوراءالطبیعی و حتی مشکلات علمی و دینی مورد استفاده قرار می‌گرفت. این روند در نهایت کابالا را به یکی از ارکان خرافات و جادوگری تبدیل کرد، به‌طوری که از طلسم‌ها و آموزه‌های رمزی برای ارائه پاسخ‌هایی مبتنی بر علم کلام و دیگر مباحث فکری بهره برده می‌شد (شولم، ۱۴۰۳، ص ۳۱۹).

با گذشت زمان، تأمل در اسرار و پرده‌برداری از رموز تورات به یکی از دغدغه‌های اصلی عارفان کابالایی تبدیل شد. آن‌ها معتقدند که فهم عمیق‌تر این معانی می‌تواند انسان را به حقیقت‌های الهی و کمال نزدیک‌تر کند و حتی به تسلط بر نیروهای طبیعی و فراطبیعی منجر شود. این رویکرد در دوران مختلف تاریخ یهودیان تأثیری عمیق بر تفکرات مذهبی و فلسفی آن‌ها گذاشته و همچنان در برخی محافل دینی و معنوی یهودی جایگاه ویژه‌ای دارد (اپستاین، ۱۳۹۹، ص ۱۶۰). متصوفه یهودی، فعالیت در حوزه جادو را گامی مهم در مسیر کشف رموز تورات تحریف‌شده تلقی می‌کنند. آن‌ها برای دستیابی به این معانی پنهان، به استفاده از عددگرایی و حروف‌گرایی

۱- جیمز هاکس (Hawks James)، میسیونر مسیحی در ایران بین سالهای ۱۸۸۰ تا ۱۹۲۲ بود.

متوسل شدند. اگرچه منطق بشری نمی‌تواند به‌طور قطعی این برداشت‌ها را اثبات کند، عارفان کابالایی همچنان در تلاش هستند تا از طریق این روش‌ها به فهمی عمیق‌تر از کتاب مقدس دست می‌یابند (بوبر، ۱۳۹۷، صص ۲۲۴-۲۲۵).

### ۳-۳- عهد جدید (انجیل)

عهد جدید به‌صورت مجموعه‌ای از بیست‌وهفت کتاب که همگی به زبان یونانی نوشته شده‌اند، شکل گرفته است. در اواخر سده دوم میلادی، عبارت «عهد جدید» بر این مجموعه اطلاق شد. این مجموعه به‌مرور چنان اعتباری یافت که عملاً هم‌پای متون عهد عتیق قرار گرفت، همان متونی که مسیحیان تا مدت‌ها آن‌ها را یگانه کتاب مقدس خود می‌دانستند و طبق سنت یهودی دوران خویش، به نام «شریعت و کتاب‌های پیامبران» می‌خواندند (وودهد، ۱۴۰۳، ص ۳۳). اگر بر این مجموعه عبارت «عهد جدید» عنوان گردید، اساساً به این دلیل بود که نخستین متألهان مسیحی، پس از پولس حکم کردند که این متون حاوی مواد عهدی تازه‌ای هستند که مفاد آن باید بر روابط میان خدا و قوم او در آخرین مرحله از تاریخ حاکم باشد (لین، ۱۳۹۶، ص ۱۰۷). در انجیل نیز بارها به سحر و جادو پرداخته شده و این عمل به‌صراحت مورد نکوهش قرار گرفته است. به‌ویژه پولس، جادوگری را از جمله گناهانی می‌داند که برخلاف خواست روح و در پی تمایلات جسمانی انجام می‌شود و مانعی برای ورود انسان به ملکوت خداوند خواهد بود. همچنین کلیسای کاتولیک مؤمنان را از هرگونه رسوم دینی که مورد تأیید کلیسا نیست، و نیز از یاری گرفتن از نیروهای شیطانی و فراطبیعی، به‌شدت بازمی‌دارد (رساله به عبرانیان، ۱۳۸۷، ۶/۳). از منظر انجیل، کهنات اعظم به حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> عطا شده است تا بتواند منشأ نجات ابدی پیروان خود باشد. سحر و جادو و علوم مربوط به آن نیز به‌عنوان بخشی از دانش الهی، از سوی خداوند به حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> عطا شده است (مک‌گراث، ۱۴۰۰، ص ۶۹). در انجیل، رساله به عبریان، در مبحث کهنات مسیح آمده است که خداوند همه چیز را در تسخیر عیسی مسیح قرار داده، او را مادون فرشتگان قرار داده و همه‌چیز را مطیع مسیح ساخته است (کوهن ۱۵/۲، مزامیر ۵/۸). «بدان سبب که همه چیز را مطیع او گرداند، چیزی باقی نگذاشت که مطیع وی نباشد». از منظر عهد جدید، علم کهنات که در واقع همان پیشگویی، غیب‌گویی و خبر دادن از امور پنهان است، به حضرت مسیح<sup>(ع)</sup> توسط خداوند تعلیم داده شد. چنان‌که در انجیل به عبرانیان آمده است: «از این‌رو، باید از هر حیث همانند برادران خود می‌شد تا در مناجات ایشان با خدا، کاهن اعظمی مهربان و امین گردد، برای آن که گناهان قوم را کفاره دهد» (رساله به عبرانیان، ۱۳۸۷، ۶/۳). تفاوت میان معجزه و سحر در باب کارهای خارق‌العاده‌ای که از حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> نقل شده است چندان مشهود نیست. از این‌رو، برخی بر این باورند که از حیث ماهوی، سحر می‌تواند به‌عنوان امری عینی و واقعیتی خارجی در نظر گرفته شود. برخی معتقدند که اعجازهای گوناگونی که به‌عنوان معجزات حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> در کتاب مقدس نقل شده است، می‌تواند در چارچوب علم کهنات نیز تعبیر شود (مک‌گین، ۱۴۰۲،

در انجیل مرقس، شفای مادر زن شمعون، شفای جذامی، شفای مفلوج، شفای دختر زن سوری - فنیقی، شفای ناشنوای الکن، و شفای دیوزدگان از جمله معجزات حضرت مسیح<sup>(ع)</sup> ذکر شده است. بنابراین قباحه سحر و جادوگری در عهد جدید امری مسلم است. قاطبه علمای مسیحی نیز سحر را حرام دانسته‌اند، و اگر حضرت مسیح<sup>(ع)</sup> به این کار مسلط بود. این امر نشان می‌دهد که دلیل اصلی حرمت سحر، استفاده‌های نابجا و نیت‌های پلیدی است که از آن حاصل می‌شده است.

#### ۴- تطبیق حکم سحر در قرآن و عهدین

در دیدگاه علمای اسلامی، سحر و جادوگری حرام است. بسیاری از محدثین و مفسرین اسلام، اعم از شیعه و سنی، تمام اقسام سحر، از جمله کلامی، کتابت، بخور با گیاهان، استفاده از کواکب، ریاضت‌های نفسانی و تسخیر اجنه و شیاطین را حرام دانسته و مسلمانان را از اشتغال به این امور منع کرده‌اند. چنان‌که از واژه اسلام برمی‌آید، مسلمین و مؤمنان به دین اسلام باید تنها در برابر خداوند تسلیم باشند و هرگونه عبودیت غیر خدا، از هر طریقی که باشد، شرک محسوب می‌شود. به همین دلیل بسیاری از مورخان و حکمای اسلامی، سحر و ساحری را به‌عنوان رویکردی به وجود غیر خدا تلقی کرده‌اند. این نگرش موجب شده که کار ساحران کفر شمرده شود و بر حرمت سحر و جادوگری تأکید شود. به نظر می‌رسد دلیل این حکم صریح و قاطع، استفاده اکثریت ساحران از سحر در امور پلید، نفاق‌افکنی، و آسیب‌رساندن به افراد (از جمله افراد بی‌گناه) باشد. همچنین در روایتی از حضرت رسول<sup>(ص)</sup> آمده است که شرک و سحر به یکدیگر نزدیک‌اند. علت منع ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> از سحر را نیز باید در کاربردهای ناپسند آن جستجو کرد. قرآن نیز به «نفاثات للعقد»<sup>۱</sup> اشاره کرده است، که به سحری دلالت دارد که نتیجه آن شر و زیان است و انسان‌ها را به پناه‌بردن به خداوند توصیه می‌کند (فلق: ۳). در برخی موارد، فراگیری سحر به‌منظور از بین بردن آثار منفی سحر ساحران و ابطال ادعای نبوت دروغین جایز شمرده شده است. احادیثی از ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> نیز در جواز فراگیری سحر در این شرایط خاص نقل شده است. در عهد قدیم نیز مبادرت به سحر و جادوگری ناروا و به‌شدت تقبیح شده است. روایات متعدد از تورات بیان می‌کند که پرداختن به سحر و ارتباط با اجنه به‌منزله روی‌گردانی از خداوند تلقی می‌شود و می‌تواند موجبات عذاب الهی را فراهم آورد (لاویان ۲۷/۲۰، ص ۶). در بخش «مکاشفه» به‌عنوان آخرین کتاب از تورات، تصویری که از بهشت ارائه می‌شود، جایی است که افراد مؤمن به آیین یهود و مقدسین تا ابد در آن شهر جای خواهند گرفت. این شهر، یا به تعبیر دیگر بهشتی که مأوای مؤمنین است، جایی است که جادوگران، زانیان، قاتلان، بت‌پرستان و نظایر آن‌ها در آن جایی ندارند. لذا از منظر عهد قدیم، جادوگران از بهشت یا رحمت الهی دور خواهند ماند. در غیر این صورت، اگر سحر ذاتاً و لفظاً قبیح باشد، برای پیامبر خدا حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> نیز قبیح است؛ در حالی که ایشان بر آن

امور مسلط بودند. حتی در در اسفار<sup>۱</sup> دوم انجیل این علوم، نظیر کهنانت، توسط خداوند به حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> اعطا شده است. بنابراین، نوع استفاده از سحر توسط ساحر نیز نقش مهمی در حرمت یا جایز بودن آن می‌تواند داشته باشد. مثلاً یهودیان پرداختن به عددگرایی و حروف‌گرایی را از موارد جواز می‌دانند. تسلط حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> بر سحر، به‌منظور درمان بیماران مسحور بوده است. در برخی آیات انجیل نیز آمده است که خداوند علم سحر و کهنانت را به حضرت مسیح<sup>(ع)</sup> آموخته است (رساله به عبرانیان، ۱۳۸۷، ۶/۳). از منظر علمای مسیحی اعمال ساحران چون اغلب با اهداف زیان‌بار و شیطانی همراه است و طلسم‌ها منجر به نتایج قبیح در جامعه می‌شوند، مانند آسیب رساندن به افراد یا گروه‌ها، از جمله: بستن بخت کسی، ایجاد تنگی رزق، کم شدن خواب شبانه، القای افکار منفی و ترس از تاریکی، مورد محبت قرار نگرفتن، ایجاد دشمنی، افسردگی، تحریک به کفر و ناسزاگویی، باردار نشدن و ایجاد بیماری‌های جسمی و روحی. این موارد می‌توانند دلیلی برای صدور حکم حرمت سحر باشند. در طول تاریخ مسیحیت افرادی با تسلط بر سحر و استفاده نادرست از آن، در جهت فریب دیگران، مال‌اندوزی، و کسب قدرت در جامعه گام برداشته‌اند. تا جایی که در گذشته، ساحران و کاهنان در دربار سلاطین و شاهان از مقام و نفوذ عظیمی برخوردار بودند. در مقابل، افرادی نیز بوده‌اند که با تسلط بر علم جادوگری، برای دفع شر، مفاسد و اهداف شیطانی سحر ساحران به مقابله برخاسته و مانع دست‌یابی آنان به مقاصد شوم و غیرانسانی شده‌اند. نتیجه کار گروه دوم که بر سحر مسلط بودند، اغلب نتایجی مثبت و خیرخواهانه به همراه داشته است. از این رو، حکم به حرمت مطلق و تعلیم سحر همواره مورد نقد و مناقشه قرار گرفته است. در مسیحیت از نظر عقل‌گرایان سحر اگر به‌عنوان دانشی برای تسلط بر رویدادهای خارق‌العاده و غیرمادی و انجام کارهایی که برای اکثر افراد غیرقابل درک است باشد، فی‌نفسه و ذاتاً نمی‌توان آنرا حرام شمرد. چرا که بر اساس متون مقدس، به‌ویژه انجیل، انبیای الهی بر این علم واقف و آگاه بوده و در انجام اعمال خارق‌العاده مسلط دانسته شده‌اند (تثنیه ۱۲/۱۸). بنابراین، قضاوت ارزشی در باب یادگیری سحر به نظر می‌رسد بیش از هر چیز به اهداف و نیت مرتبط است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۰ و حر عاملی، بی‌تا، ۱۵).

#### ۴-۱- وجوه اشتراک سحر در اسلام، عهد عتیق و عهد جدید

۱. سحر و جادو صبغه دینی داشته
۲. ساحر به دنبال استفاده از نیروهایی بوده که از دسترس انسان‌های عادی خارج است؛
۳. سحر از نیروهای شیطانی و ارواح شدید نشأت می‌گیرد؛
۴. مخالف با اصول و تعالیم الهی بوده؛
۵. تغییر قوانین طبیعی به نفع خود؛
۶. ساحر به نبال انحراف، ترس، ایجاد اضطراب، قدرت، ثروت، امیال نفسانی و .... بوده؛

۱- بخش‌ها و باب‌های کتب مقدس

۷. سحر و جادو نیازمند ابزار، اوراد، آموزش‌های خاص و ... می‌باشد؛
۸. شناخت سحر ایجاد تمایز میان اراده الهی و نیروهای شیطانی است؛
۹. سحر بر خلاف معجزه امری آموختنی است؛
۱۰. اشتباهاً به آن امر خارق‌العاده اطلاق می‌شود؛
۱۱. برخی از شعبه‌های سحر از امور واقعی است؛
۱۲. یادگیری سحر به‌طور مطلق حرام نبوده؛
۱۳. پذیرش حقیقت سحر و ساحری؛
۱۴. نفی منفعت به‌طور کلی از سحر و ساحری؛
۱۵. تلقی از جادوگری به عنوان نوعی کفر.

#### ۴-۲- وجوه افتراق سحر در اسلام، عهد عتیق و عهد جدید

۱. در اسلام بر خلاف عهدین میان ابعاد عرفانی دین و سحر و جادو وجوه اشتراکی وجود ندارد؛
۲. در عهدین خصوصاً تورات بیشتر بر فال‌بینی، غیب‌گویی و افسونگری تأکید شده است؛
۳. توجه بیش از حد به تأثیر کواکب در سرنوشت انسان‌ها؛
۴. در اسلام بر خلاف عهدین سحر و جادو از شرابخواری و شراب‌فروشی بدتر است؛
۵. اعتقاد به اینکه جادوگران بیماران روانی‌اند امروز در بسیاری از آثار یهود و مسیحیت به چشم می‌خورد؛
۶. تسلط تفکر جادوگرا و اسطوره‌محور بر تفکرات یهودی و مسیحی؛
۷. یادگیری سحر توسط بسیاری از یهودیان حتی علما و دانشمندان وجه تمایزی است بین تفکرات اسلامی و یهودی؛
۸. باور به تأثیر ستارگان بر هوش و ثروت در بنی اسرائیل؛
۹. اعتقاد یهودیان (تورات تحریف شده) به اینکه سلیمان جادوگر و ساحر بوده؛
۱۰. پرداختن به عددگرایی و حروف‌گرایی در یهود بر خلاف اسلام و مسیحیت.

#### ۵- نتیجه‌گیری

مساله سحر و جادو از جمله موضوعاتی است که علاوه بر قرآن، علماء، متکلمین و فلاسفه بسیاری در جهان اسلام بدان پرداخته و در آثار خود توضیحاتی در چگونگی نگرش به جادو و انواع راه‌های رسیدن به آن ارائه نموده‌اند. سحر و جادو از جمله کهن‌ترین موضوعاتی هستند که آثار آنها در بسیاری از فرهنگ‌ها و ادیان توحیدی و حتی غیر توحیدی به چشم می‌خورد. با بررسی آیات قرآن کریم و دیدگاه‌های متکلمین، فلاسفه، مفسرین و ... آنچه که مسلم است این است که اسلام همچون سایر ادیان ابراهیمی، سحر و جادو را ممنوع و حرام محسوب نموده است. البته بایستی به این موضوع مهم نیز اذعان داشت که در برخی موارد، همچون بقای عمارت، پیدا کردن گم شده، فتح سرزمین کفر، دفع شر و ... موضوع سحر و جادو در اسلام جایز تلقی شده است؛ اما به‌طور کلی، گرایش به سحر و جاو از آنجایی که گرایش به جز خدا و سجود غیر او محسوب

می‌شود، اقدامی کفرآمیز محسوب شده و اساساً حرام می‌باشد. از طرفی، گرایش به سحر و جادو در اسلام، با تبهکاری و گرایش‌های ضد عقلانی همراه بوده و این نیز دلیل دیگری بر نفی آن از منظر اسلام می‌باشد. خداوند در آیه ۱۰۲ سوره مبارکه بقره می‌فرماید: «کسی که چیزی از سحر بیاموزد کم باشد یا زیاد، کافر شده است و این پایان ارتباط او با خداست».

در یهود نیز مانند اسلام سحر مورد نهی و مذمت قرار گرفته و تورات آن را به روشنی محکوم نموده است. هر چند که قوم یهود بسیار مرتکب این گناه شده‌اند. ریشه‌های عرفان یهودی و گسترش جادوی یهودی را به معنای واقعی کلمه باید در بستر متون مقدس، تلمود و سنت‌های یهودی مورد بررسی و واکاوی قرار داد. از طرفی، بسیاری بر این باورند که از عواملی همچون آشنایی با فرهنگ بابلیان و ساختارهای اجتماعی در شکل‌گیری جادوی یهودی اثرگذار بوده است. به همین دلیل تاریخچه جادوگری در میان یهودیان را باید از زمان اقامت آنها در مصر و همسایگی آنان با اقوام بابلی و کنعانی جستجو نمود. یهودیان همواره عادت داشته‌اند به جای تفکر و کاربست عقلانیت، بیشتر توجه خود را معطوف به برخی پیشگویی‌ها و آینده‌نگری‌ها نمایند. به همین سبب گرایش به امور مرتبط با ستاره‌شناسی و بخت و طالع و نیز گرایش به موضوعات ادوار فلکی در میان آنان بسیار رواج داشته است. این در حالی است که بسیاری از پیامبران بنی اسرائیل به نقل از متون مقدس یهود در حال مبارزه با این سنت غلط و خطرناک بوده‌اند به نحوی که در تلمود- از منابع مقدس یهودیان- جادوگری امری قبیح و جادوگر نیز مجرم و محکوم محسوب شده و جادوگران در زمره بت‌پرستان قرار می‌گیرند. نفی و محکومیت سحر و جادو و جادوگران در آیین یهود تا حدی است که بر اساس دستور تورات، خون جادوگران برای بنی اسرائیل مباح است. در آیین مسیحیت نیز همچون اسلام و یهود، سحر و جادو مورد نکوهش قرار گرفته و تمامی جریان‌های انجیل‌گرا واکنش جدی در این خصوص داشته‌اند. در مسیحیت معجزه، نشانه‌ای از قدرت الهی بوده در حالی که سحر و جادو به عنوان عملی شیطانی و مغایر با اصول دین مسیحی قلمداد شده که با ارواح خبیث در ارتباط است. در متون مقدس مسیحی از آنجا که سحر و جادو بیشتر برای فریب دیگران، اهداف شخصی و نیات غیر الهی استفاده می‌شده مورد نهی و نکوهش قرار گرفته است. از دیگر دلایل نفی سحر و جادو در آیین مسیحی آن است که این عمل، منشاء شیطانی، ماهیتی نفسانی، دخالت در امور مرتبط با خداوند و مغایر با اصول الهی محسوب می‌شود. به همین سبب، در کتاب مقدس مسیحیان، سحر و جادو به شدت محکوم شده و در «تثنیه» آمده است، هیچ کس نباید در میان شما به عمل جادوگری مبادرت نماید (تثنیه، ۱۰، ص ۱۸). نهایتاً اینکه اهداف و نیات افراد در فراگیری سحر و ساحری اهمیت ویژه‌ای داشته که با بررسی دیدگاه قرآن و عهدین (عهد عتیق و عهد جدید) قابل استنتاج است. شناخت سحر و ساحری نوعی تمایز میان اراده الهی و نیروهای شیطانی است.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۹). الهدایة (فی الأصول و الفروع) (چاپ دوازدهم). قم: پیام امام هادی<sup>(ع)</sup>.
- ابوصلاح حلبی، تقی بن نجم. (۱۳۹۱). الکافی فی الفقه (رضا استادی، محقق). قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- اپستاین، ایزیدور. (۱۳۹۹). یهودیت (بهزاد سالکی، مترجم). تهران: حکمت و فلسفه.
- اردشیری، فاطمه. (۱۴۰۰). سحر و جادو در متون فقهی شیعه. تهران: حکمت.
- اسکار، جفری، کالون، جان. (۱۴۰۲). سحر و جادو در سده‌های شانزدهم و هفدهم اروپا (حسین جزایری، مترجم). تهران: فرهنگ.
- بدرلو، سهیلا. (۱۳۹۲). سحر و جادوگری در اسلام: تأملی در سحر و جادوگری در اسلام. تهران: اشراق.
- بویر، مارتین. (۱۳۹۷). در باب یهودیت (علی فلاحیان، مترجم). تهران: ادیان و مذاهب.
- حلی، محمد بن حسن. (۱۳۸۴). ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد. تهران: مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی.
- خوشدل، محمدحسین. (۱۳۹۸). سحر و جادو از منظر قرآن. تهران: مناقب.
- دی‌کوگان، مایکل. (۱۳۹۷). درآمدی بر عهد عتیق (مجتبی پردل، مترجم). تهران: ترانه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۲۳). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دارالعلم.
- سلیمانی، رسول، شریعتی‌فرد، حسین، نجف‌پور، جعفر، علیپور، صدرا. (۱۴۰۲). تعمیم آموزه‌های تربیتی قرآن درباره سحر و جادو به مقوله «دیپ‌فیک». آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، (۱)۹، ۱۰۷-۱۲۶.
- سیار، پیروز. (۱۴۰۳). ترجمه تورات. تهران: هرمس.
- سیدموسوی، سیدحسین، مرتضوی، سیدمحمد، عبدالله‌زاده، سیدحمزه. (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی تأثیر سحر بر پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> در صحیح بخاری و مسلم با توجه به شأن نزول معوذتین. پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، (۱)۶، ۲۵۳-۲۷۶.
- شوم، گرشام. (۱۴۰۰). جریان‌ات بزرگ در عرفان یهودی (فریدالدین رادمهر، مترجم). تهران: نیلوفر.
- شوم، گرشام. (۱۴۰۳). گرایش‌ها و مکاتب اصلی عرفان یهود (علیرضا فهیم، مترجم). تهران: ادیان و مذاهب.
- شهید اول، محمد بن مکی. (۱۳۹۵). الدروس الشرعية فی فقه الإمامیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- صدری، سعید. (۱۴۰۲). سحر و کلید رهایی از آن. قم: جمکران.
- صفایی، لیلی، و اشرف، صدیقه. (۱۳۹۸). معرفت‌شناسی سحر و جادو و ابطال آن از نظر اسلام. تهران: سخن‌گستر.
- صمدی، سما. (۱۴۰۱). سحر و جادو در فقه و حقوق. تهران: اندیشه نوین پژوهش.

- طاهرزاده، اصغر. (۱۴۰۱). جایگاه جن، شیطان و جادوگر در عالم. تهران: لب‌المیزان.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۹۹). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن (ابوالحسن شعرانی، مصحح). تهران: مکتبه‌العلمیه.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی‌تا). النهایة فی مجرد الفقه و الفتوی. بیروت: دارالکتب العربیه.
- عقلان، حسین. (۱۴۰۳). تبعات اعتقاد به سحر و آسیب‌شناسی آن. تهران: سیحان.
- قربان‌زاده، محمد، و سعیدی، عمران حیدر. (۱۳۹۹). سحر در قرآن و روایات. اندیشه‌های قرآنی، ۴(۱۴)، ۱۰۷-۱۲۸.
- قزلباش، حیدرقلی خان. (۱۴۰۲). ترجمه انجیل. تهران: المعی.
- کاسر، رودولف. (۱۴۰۲). انجیل یهودا (شروین اولیایی، مترجم). تهران: ققنوس.
- کاهدی، شهربانو، احمدی، سیدمحمد مهدی، و عابدیان کلخوریان، حسن. (۱۳۹۶). سحر و شعبده در فقه با تأکید بر مصادیق نوظهور. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۳(۴۸)، ۱۲۳-۱۴۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۹۳). اصول کافی (چاپ چهارم). تهران: دارالکتب.
- کیمیایی، محمدکاظم. (۱۳۹۹). سحر و جادو از دیدگاه علم و دین. تهران: پرتو.
- لارو، جرالد. (۱۳۹۸). مجموعه عهد عتیق و جدید (اصغر رستگار، مترجم). تهران: نگاه.
- لین، تونی. (۱۳۹۶). تاریخ تفکر مسیحی (روبرت آسریان، مترجم). تهران: فرزانه‌روز.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۹۳). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- محقق کرکی، علی بن حسین. (۱۳۶۷). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: آل‌البيت<sup>(ع)</sup>.
- مصاحب، غلامحسین. (۱۴۰۳). دایرة‌المعارف فارسی (چاپ شانزدهم). تهران: امیرکبیر.
- مصطفوی، علی اصغر. (۱۴۰۲). اسطوره قربانی (چاپ سوم). تهران: بامداد.
- مک‌گراث، آلیستر. (۱۴۰۰). درسنامه الهیات مسیحی (بهروز حدادی، مترجم). تهران: ادیان و مذاهب.
- مک‌گین، برنارد. (۱۴۰۲). عارفان اولیه مسیحی (حبیب بشیرپور، مترجم). تهران: پارسه.
- موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۹). تحریرالوسیله (چاپ دهم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(ع)</sup>.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۳۷۹). مستند الشیعه فی احکام الشریعه. قم: آل‌البيت<sup>(ع)</sup>.
- ووده‌د، لیندا. (۱۴۰۳). مسیحیت (علیرضا رضایت، مترجم). تهران: سینا.
- هاکس، جیمز. (۱۴۰۰). قاموس کتاب مقدس (محمد امیری، مترجم). تهران: اساطیر.
- همتی، امین. (۱۴۰۲). پژوهشی در سحر، طلسم، جادو. تهران: گنج حضور.
- الیاده، میرچا. (۱۴۰۲). تاریخ اندیشه‌های دینی (مانی صالحی علامه، مترجم). تهران: نیلوفر.